



د ستراتژیکو او سیمه‌ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۳۱۷ (از ۱۶ الی ۲۳ سنبله ۱۳۹۸ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی هفته‌واری است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می‌گردد، تا نهادهای سیاست‌گذار و مراجع پالیسی‌ساز از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می‌خوانید:

11 سپتامبر؛ شروع جنگ نیابتی در افغانستان

- 2..... بعد از 11 سپتامبر؛ چرا شروع جنگ در افغانستان؟
- 3..... حمله بر افغانستان از نظر قوانین بین‌المللی.
- 4..... تلفات جنگ جاری در کشور.....
- 5..... افغانستان پس از 18 سال.....
- 6..... نتیجه‌گیری.....

آیا د کشمیر ستونزه له افغان سولې سره تړاو لري؟

- 6..... د کشمیر کرکیچ ته ځغلنده کتنه.....
- 7..... د ۳۷۰ مادې له منځه وړل او د کشمیر اوسنی وضعیت.....
- 8..... د کشمیر ستونزه د نړیوالو له نظره.....
- 9..... افغان سوله او د کشمیر ستونزه.....
- 11..... پایله.....

11 سپتامبر؛ شروع جنگ نیابتی در افغانستان



در ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ م نیروهای امریکایی برای سقوط رژیم طالبان و محو پایگاه‌های شبکه القاعده، عملیات گسترده‌ی نظامی را در افغانستان آغاز کرد که پیامد‌های ناگوار تا حال ادامه دارد. در طول ۱۸ سال گذشته ده‌ها هزار افغان قربانی این جنگ شده و حالا نیز جنگ با شدت در تمام کشور جریان دارد. شکست طالبان در سال ۲۰۰۱ م یک شکست موقتی بود و اکنون طالبان نسبت به گذشته قوی‌تر شده است. ناامنی‌ها از جنوب به مناطق شمال کشور گسترش یافته و بخش زیادی از خاک افغانستان از کنترل حکومت خارج است.

بعد از 11 سپتامبر؛ چرا شروع جنگ در افغانستان؟

در زمان جهاد علیه شوروی‌ها در افغانستان، هزاران جنگجوی عرب در کنار افغان‌ها بر ضد قشون سرخ می‌جنگیدند و بعداً حکومت مجاهدین به رهبری استاد ربانی به آنان پناه داد و به شماری از آن‌ها تابعیت افغانی نیز داده شد. سپس زمانی که طالبان بر بیش از ۹۰ درصد از خاک افغانستان مسلط شدند، تعدادی از عرب‌ها به شمول اسامه بن لادن رهبر شبکه القاعده در افغانستان حضور داشتند و اعضای این گروه از سال ۱۹۹۶ به بعد از حمایت طالبان در افغانستان برخوردار شدند.

زمانی که حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد، اعضای شبکه القاعده متهم به دست داشتن در این واقعه شدند و به همین بهانه امریکا به افغانستان حمله کرد و با سرنگونی رژیم طالبان، جنگ خونینی در کشور آغاز شد. اسامه بن لادن در همان زمان در افغانستان به سر می‌برد و به همین دلیل در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱، رییس جمهور بوش چند خواست را برای طالبان مطرح نمود

- تمام رهبران القاعده به امریکا سپرده شود.

- تمام افراد خارجی زندانی در بند طالبان آزاد و به ایالات متحده تسلیم داده شوند.
- تمامی کمپ‌های تربیتی آنها بسته شوند.
- به ایالات متحده اجازه عام و تام برای دسترسی به کمپ‌های القاعده و بررسی آنها داده شود.

حکومت طالبان در همان زمان از طریق سفارت خود در پاکستان اعلان نمود که ایالات متحده تاکنون هیچ سندی مبنی بر شرکت بن لادن در حملات ۱۱ سپتامبر ارائه نکرده است. به گفته ملا عبدالسلام ضعیف سفیر وقت طالبان در اسلام‌آباد، حکومت طالبان برای حقیقت‌یابی این حادثه تلاش‌هایی زیادی کرد، ولی امریکا از تصمیم حمله بر افغانستان عقب نمی‌رفت. به گفته او، حملات ۱۱ سپتامبر حادثه تصادفی نبوده بلکه ایالات متحده امریکا برای تامین منافع درازمدت خویش در منطقه قبل قصد حمله نظامی به افغانستان را داشت. طالبان سه بار پیشنهاد محاکمه اسامه بن لادن در خاک افغانستان یا کشور سومی را به دولت امریکا به خاطر حوادث یازده سپتامبر دادند که هر سه بار از سوی امریکا این درخواست‌ها رد شد.

در ۷ اکتور حملات هوایی امریکا آغاز یافت و در ۳۱ اکتبر نیروهای جبهه متحد شمال با کمک و حمایت حملات هوایی امریکا وارد کابل شدند و حکومت طالبان سرنگون گردید. در ۲۵ نوامبر کنفرانس بن در مورد افغانستان برگزار شد و در جریان ۱۰ روز یک اداره موقتی را به ریاست حامد کرزی تشکیل داد.

حمله بر افغانستان از نظر قوانین بین‌المللی

شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از حملات ۱۱ سپتامبر، واکنش خویش را در دو قطعنامه (۱۳۶۸ و ۱۳۷۳) ابراز کرد. این قطعنامه‌ها اجازه حمله بر افغانستان را نداده بلکه به گونه عمومی حوادث «تروریستی» را محکوم کرده بود و شورای امنیت هیچ‌گاه اجازه فعالیت نظامی و حمله به افغانستان را به ایالات متحده امریکا نداده بود.

قطعنامه ۱۳۷۳، «تروریزم» را یک معضل بین‌المللی دانسته بود و بر حمایت مردم افغانستان تاکید می‌ورزید. اما در قطعنامه ۱۳۶۸ ایجاد نیروهای آیساف که به منظور تامین صلح و امنیت در کابل و مناطق همجوار آن جابجا خواهد شد، شامل بود؛ ولی این قطعنامه به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ م چند هفته بعد از حمله امریکا بر افغانستان صادر شد.

منشور سازمان ملل متحد که توسط ایالات متحده و دیگر کشورهای هم‌پیمان به تصویب رسیده، بیان می‌کند که تمام اعضای سازمان ملل متحد باید بیانیه‌های بین‌المللی خود را با اهداف صلح‌جویانه مطرح کنند و هیچ‌یک از اعضاء حق استفاده از نیروی نظامی را به‌جز از دفاع ندارد. ماده ۳۳ این منشور می‌گوید: «طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسائل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود، راه‌حل آن را جستجو نمایند.» ولی حکومت امریکا از حادثه ۱۱ سپتامبر تا زمان حمله بر خاک افغانستان، راه‌حل مسالمت‌آمیز را به کلی بسته بود.

قانون اساسی امریکا نیز بیان می‌دارد که معاهدات بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد توسط تمامی کشورها از جمله امریکا تصویب شده و جزئی از قانون اعلی در امریکا می‌باشد.

از یک سو در حادثه ۱۱ سپتامبر هیچ افغانی دست نداشت و از سوی دیگر، امریکایی‌ها نتوانستند مدارک معتبری را در مورد دست داشتن متهمین آن رویداد ارائه کنند. حتی تا امروز شواهد و مدارک دست داشتن اسامه بن لادن در حملات یازده سپتامبر که کولن پاول تعهد به نشر آن کرده بود، نشر نشد. حالا پرسش اینجاست که حکومت امریکا چرا یک کشوری را مورد حمله قرار داد که در صورت ارائه ثبوت دست داشتن اسامه بن لادن در آن رویداد، حاضر به محاکمه او و یا حتی سپردن وی به ایالات متحده بود؟ ولی اینکه واشنگتن چنان ثبوتی نداشت، پیشنهاد طالبان بیدرنگ رد شد.

حکومت بوش با بهانه قرارداد ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، که به کشورها حق دفاع شخصی را می‌دهد، بر خاک افغانستان حمله کرد و اینکه حکومت طالبان و هیچ افغانی در حادثه ۱۱ سپتامبر دست نداشت و در مورد سپردن اسامه بن لادن نیز در صورت ارائه شواهد اقدام می‌کرد، به همین معنی بود که ایالات متحده با تهدید نظامی از جانب حکومت طالبان مواجه نبود.

تلفات جنگ جاری در کشور

۱. نیروهای خارجی

از سال ۲۰۰۱م الی ۲۰۰۴م نیروهای ائتلاف نسبت به سال‌های بعد از آن تلفات کمتری داشتند، ولی بعد از آن تلفات این نیروها رو به افزایش نهاد. در سال ۲۰۰۴م تلفات نیروهای ائتلاف ۶۰ تن بود که این تعداد در سال‌های ۲۰۰۵م، ۲۰۰۶م، ۲۰۰۷م و ۲۰۰۸م به ترتیب به ۱۲۹، ۱۹۳، ۲۲۸ و ۲۹۶ بالا رفت و در سال ۲۰۰۹م به ۵۱۶ تن رسید. سال ۲۰۱۰م نقطه اوج تلفات نیروهای ائتلاف در افغانستان بود که مجموعاً تا سال ۲۰۱۸ تلفات نیروهای خارجی در افغانستان به بیش از ۳۵۰۰ تن می‌رسد.

۲. تلفات نیروهای افغان

نظامیان افغان نیز از آغاز فعالیت آنها در سال ۲۰۰۲م همه‌ساله تلفات داشته‌اند. در سال‌های ۲۰۰۷م، ۲۰۰۸م و ۲۰۰۹م تعداد کشته شده‌گان نیروهای امنیتی افغان به ترتیب ۹۶۶، ۹۸۳ و ۹۳۱ تن بود. در سال ۲۰۱۰م که شدت جنگ بصورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته بود، تعداد کشته شده‌گان نیروهای افغان به ۲۱۱۳ صعود نمود. با آنکه تعداد کشته شده‌گان نیروهای امنیتی افغان در سال ۲۰۱۱م کاهش یافت و به ۱۰۸۰ تن رسید، ولی در سال‌های بعد از آن تعداد کشته شده‌گان به سرعت سیر صعودی داشت. در ۲۰۱۱م انتقال مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان آغاز گردید و به همین دلیل، در سال‌های پس از آن تلفات آنها نیز رو به افزایش نهاد. چنانچه در سال‌های ۲۰۱۲م و ۲۰۱۳م تلفات این نیروها به ۲۷۶۵ و ۴۳۵۰ تن رسید. اما در دوران حکومت وحدت ملی (۲۰۱۴-۲۰۱۸) به تعداد ۴۵۰۰۰ هزار سرباز افغان کشته شده.

3. تلفات غیرنظامیان

در سال ۲۰۰۱ زمانیکه نیروهای امریکایی و نیروهای ائتلاف حملات خود را به خاک افغانستان آغاز کردند، میزان تلفات افراد ملکی بلند بود و شمار کشته شده گان ملکی به ۲۳۷۵ تن می‌رسید. سپس در سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۶ جمعاً ۲۴۲۲ فرد ملکی کشته شدند. یوناما در سال ۲۰۰۷ آغاز به جمع‌آوری ارقام تلفات ملکی نمود، ولی در این ارقام تلفاتی که یوناما در مورد قراردادن آن تحت کتگوری تلفات ملکی شواهد کافی ندارد و یا هم مواردی که به آن دسترسی نداشته است، شامل این گزارش نشده است. همچنان تلفات ملکی ناشی از حملات طیارات بدون سرنشین و یا هم تلفاتی که از طرف نیروهای خارجی به افراد ملکی وارد شده، در این ارقام اضافه نشده است. با این هم، با توجه به ارقام سازمان ملل متحد، از سال ۲۰۰۷ تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی، شمار کشته شده گان افراد ملکی در افغانستان بیشتر از ۳۲۰۰۰ تن می‌رسد.

4. تلفات طالبان

به اساس سروی پوهنتون براون در جریان جنگ ۱۸ در افغانستان بیشتر از ۴۲۰۰۰ طالبان کشته شده اند

افغانستان پس از 18 سال

افغانستان در سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ از یک سو در عرصه سیاست جهانی به انزوا رفته بود و حکومت طالبان را تنها سه کشور به رسمیت می‌شناخت و از جانب دیگر، تعلیم و تربیه، اقتصاد و حکومتداری در کشور در وضعیت بدی قرار داشت. پس از تشکیل حکومت موقت به ریاست حامد کرزی در سال ۲۰۰۱ م کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان سرازیر شد، کارهای بازسازی در تمام کشور آغاز یافت، زمینه آموزش برای ملیون‌ها افغان مساعد گردید و در عرصه سیاست خارجی نیز با بیش از ۱۲۰ کشور جهان روابط دیپلماتیک برقرار شد. هرچند نیروهای آیساف در سال ۲۰۰۱ م تحت شعار تامین صلح، مبارزه با مواد مخدر و کمک به افغانستان پا گذاشتند اما پس حضور نظامی امریکا و دیگر کشورهای غربی در افغانستان، در کنار ناامنی‌های گسترده کشور تبدیل به بزرگترین تامین کننده مواد مخدر در جهان شد که نزدیک به ۹۰ درصد مواد مخدر غیرقانونی جهان را تولید می‌کند. پس از ۱۵ سال کشور با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. افغان‌ها به دلیل وضعیت خراب اقتصادی و امنیتی پا به فرار از کشور نهاده‌اند. در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ م بیش از ۳۰۰ هزار افغان از راه‌های خطرناک به اروپا رفتند و در داخل کشور نیز هزاران تن مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. از همه مهم‌تر، وضعیت امنیتی کشور با چالش‌هایی خطرناکی روبه‌رو شده است و همه روزه حدود ۱۰۰ تن از افغان‌ها قربانی می‌گیرد. از یک سو گروه‌های افراطی در افغانستان ظهور کرده و از سوی دیگر، گفتگوهای طالبان با امریکا که بیش از یک سال ادامه داشت به ناکامی انجامید و انتخابات پیش رو ریاست جمهوری نیز با چالش‌هایی گونه‌گون مواجه است. حضور نیروهای خارجی در کشور از یک سو و این همه چالش‌ها از سوی دیگر، حاکمیت ملی کشور را به چالش کشانیده است.

در ۱۸ گذشته زمینه به فساد اخلاقی در کشور سنتی ما نیز مساعد شده و رسانه‌هایی که دست‌آورد این نظام شمرده می‌شود، خلاف تمام قوانین اسلامی و عنعنات افغانی نشرات می‌کنند. فساد مالی و اداری به جایی رسیده که اکنون افغانستان در ردهٔ نخست و دوم کشورهای فاسد جهان قرار دارد و در کنار این همه، تعصبات قومی و مذهبی نیز در کشور شعله‌ور شده است.

با گذشت ۱۸ سال هنوز هم حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی این کشور وابسته به امریکا و کشورهای عضو ناتو هستند.

نتیجه‌گیری

حملهٔ امریکا بر افغانستان ظاهراً برای سرکوب شبکهٔ القاعده و طالبان صورت گرفت، ولی حکومت ایالات متحده اهداف درازمدت خویش در منطقه را دنبال می‌کرد. اگر انگیزهٔ حمله بر افغانستان تنها اسامه بن لادن بود، پس وقتی که وی در اسلام‌آباد کشته شد، نیروهای امریکایی باید این منطقه را ترک می‌گفت. برخی تحلیلگران به این نظر اند که اهداف امریکا در این منطقه حصار رقبای این کشور مانند چین و روسیه است که تا هنوز به این اهداف دست نیافته و منابع آسیای میانه نیز به دست آنان نیافتیده است.

اکنون با گذشت ۱۸ سال از آغاز عملیات نظامی امریکا در افغانستان، تنها چیزی که برای امریکا دست‌آورد محسوب می‌شود، این است که جنگ در افغانستان جریان دارد و امریکا حضور نظامی در منطقه دارد. اگر جامعهٔ جهانی به شمول امریکا قصد حل و فصل قضیهٔ افغانستان را دارد، پس تنها راه‌حل مسئلهٔ افغانستان، اجازه دادن به خود افغان‌ها می‌باشد تا برای رسیدن به آشتی ملی تلاش کنند و با هم مشکلاتشان را حل نمایند.

امریکا باید تمام کوتاهی‌های خود در ظرف ۱۸ سال گذشته را از راه آوردن یک صلح عادلانه و پایدار به کشور جبران نماید.

آيا د کشمير ستونزه له افغان سولې سره تړاو لري؟



د هند اوسنی دولت چې مشري یې د بي جي پي گوند مشر نريندرا مودي کوي د څه باندې ۷۰ کلونو وروسته په تېر اگست میاشت کې د هند تر ولکې لاندې کشمير په اړه د اساسي قانون ۳۷۰ ماده چې له مخې یې کشمير ته ځینې ځانگړې امتیازات ور کړل شوي وو، او د یو آزادې سیمې حیثیت یې درلود له منځه یوړه. له دې وروسته پاکستانی چارواکو د کشمير ستونزه د افغان سولې سره تړلې وبلله، دا چې په ریښتیا د کشمير ستونزه د افغان سولې سره مستقیم تړاو لري او که نه؟ په دې تحلیل کې پرې شننه شوې.

د کشمير کړکيچ ته ځغلنده کتنه

د ۱۹۴۰ کال را وروسته چې هند او پاکستان د برطانیې له امپراتورۍ آزادي ترلاسه کړه، دواړو هېوادونه ادعا کوي چې کشمير یې د هېواد برخه ده، له یو بل سره د درې ترسره شویو جگړو څخه دوه هغه یې د کشمير پر سر ترسره کړي دي چې شاوخوا اویا زره کسانو پکې خپل ژوند له لاسه ور کړی دی. د نړۍ د نورو سیمو په پرتله د کشمير پر سیمه زیات نظامي ځواکونه شتون لري، او ځایي کشمیریان بیا د هندي ځواکونو شتون سره سخت مخالف دي او د هغو کسانو ملاتړ کوي چې د هندي ځواکونو پر ضد ودرېږي.

د ۳۷۰ مادې له منځه وړل او د کشمير اوسنی وضعیت

د روان کال اگست میاشتې پر پښخمه نېټه د هند لخوا د ۷۰ کلونو وروسته د اساسي قانون ۳۷۰ ماده چې له مخې یې د هند تر ولکې لاندې کشمیر ته ځانگړي امتیازات او واک ور کړل شوی وو له منځه یووړ. د دې مادې له مخې د هند تر ولکې لاندې کشمیر یو خودمختاره سیمه وه، د هند نورو برخو اوسیدونکو نه شو کولی دلته ځمکې وپیري، ددې سیمې خلکو خپل اساسي قانون او خپل ځانگړی بیرغ درلود. مگر د دفاع، بهرنیو چارو او ارتباطاتو برخو کې بیا د مرکزي دولت تر رسمي اغیزو لاندې وو، خو د دې مادې له ختمېدو وروسته کشمیر د هند د نورو آیالتونو په څیر حیثیت غوره کړ، اوس د نورو آیالتونو خلک کولی شي دلته ځمکې واخلي او سرمایه گذاري وکړي، او ځانگړی حیثیت یې ختم شو. اوس په زیات شمېر کې هندي ځواکونه هلته ځای پر ځای شوي، گرځېدیز لگېدلی او ډېری سیاسي مشران او مظاهره چیان نیول شوي دي. د کشمیر پخوانی وزیر عمر عبدالله د یادې مادې له منځه وړل د هند حکومت یو اړخیزه پرېکړه بللې او اوسنۍ وزیرې محبوبه مفتي چې د ۳۷۰ مې مادې ختمېدو وروسته په کور کې نظر بنده شوه د اگست پښخمه نېټه د هند د ډیموکراسۍ لپاره توره ورځ ونوموله او د هند پر اوسني واکمن گوند یې توندې نیوکې ترسره کړې. د نړیوالو ورځپاڼو پر بنسټ هندي ځواکونو په سرینگر کې زیات شمېر کسان شکنجه کړي، تلفون او انټرنیټ خدمتونه تم شوي، روغتیايي مراکز یا بند دي او یا په ټیټه سطحه خدمات وړاندې کوي، تعلیمي ادارې بندې دي او ورځ چارې هم په ټپه ولاړې دي او دا لړۍ لا دوام لري.

د کشمیر ستونزه د نړیوالو له نظره

د اسلامي همکاریو سازمان په گډون ترکیبې او ځینې نورو هېوادونو د کشمیر پر مسئله جدي غبرگونونه ښودلي، پاکستان بیا نړیوالې ټولنې ته رسماً شکایت کړی چې پر مظلومو کشمیریانو د هندي ځواکونو د ځورنې مخه ونیسي. د جینوا حقوقو کنوانسیون ۴۲ مې غونډې ته د پاکستان بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي د کشمیر ستونزې په اړه وینا ترسره کړه او د هند د زیاتي او ځورونو څخه یې نړیوال خبر کړل چې هند شوې ادعاوې په یو سر رد کړې. هند بیا وايي دا یې داخلي موضوع ده او چا ته دا حق نه ورکوي چې په دې اړه څرگندونې او مشورې ور کړي او ادعا کوي چې هندي ځواکونه د بشر حقونو ته پوره احترام لري او یوازې د بېلتون غوښتونکو مخه نیسي او د ۳۷۰ مادې له منځه وړل یې کشمیریانو او په ټوله کې هېواد ته د پرمختگ گام بللی.

پاکستان بیا د هند تر ولکې لاندې کشمیر د هند له لوري په ناوړه توگه نیول شوې سیمه گڼي او د ځان حق یې گڼي، په همدې پار یې د چین، ترکیبې او اسلامي هېوادونو په گډون د نړیوالې ټولنې دروازې د ملاتړ خپلولو لپاره ټکولي. د چین او ترکیبې پرته نورو هېوادونو د کشمیر ستونزه د پاکستان او هندوستان خپلمنځني ستونزه گڼلې او په دې اړه یې دواړو هېوادونو ته د حل لارې موندلو غږ کړی دی.

د متحده عربي اماراتو حکومت بیا د هند د گام اخیستو وروسته، د هندي لومړي وزیر بناغلي مودي ته عالي دولتي نښان هم وردالی کړ، چې یاد کار بیا په پاکستان کې سخت غبرگونونه راوپارول او د اماراتو د شیخ دا کار یې د مظلومو کشمیریانو په حق کې ستر او نه بخښونکی ظلم او زیاتی یاد کړ.

افغان سوله او د کشمير ستونزه

د پاکستانی چارواکو هغه ادعاوې چې د کشمير مسئله د افغان سولې سره اړوند بولي، په ټوليزه توگه بې بنسټه دي، په دې اړه د پاکستانی چارواکو له ډلې د شهباز شريف هغه خبرې چې د کشمير ستونزه يې د افغان سولې سره تړلې وه او عمران خان يې پر بللی وو، چې د افغان سولې په وړاندې يې د ولسمشر ټرمپ سره په کشمير معامله کړې، نه يوازې دا چې په خپله د لومړي وزير عمران لخوا رد شوې، بلکې د کشمير په اړه يې د ټرمپ څرگندونې د سويلي آسيا د اقتصادي پرمختگ برخه وگڼلې. او بل دا چې په تاريخي لحاظ د افغانستان او کشمير ستونزې له يو بل سره هيڅ تړاو نه لري، ځکه د کشمير په مسئله کې د افغانستان خلکو تل د مظلومو کشميريانو سره د پيل شوي ناورين د ختمېدو هيلې څرگندې کړي. د پاکستانی چارواکو دا بې ځايه ادعاوې نه يوازې دا چې د هند نفوذ کمولو او د نړيوالو پام را اړولو يو بې اساسه هيله گڼل کېږي، بل څه نه شول بللی. مظلوم کشميريان بايد پرېښودل شي ترڅو د خپل راتلونکي برخليک په خپله وټاکي، او نړيواله ټولنه هم بايد په دې اړه کوټلي گامونه واخلي او پرېږدي چې نور د کشمير مظلوم خلک يو تياره راتلونکی ولري.

له دې انکار نه شي کېدلی چې په هر هېواد کې بې ثباتي کولی شي، اړوندې سيمې په غير مستقيم او مستقيم توگه اغېزمنې کړي، خو دا چې پاکستانی چارواکي د کشمير ستونزه له افغان سولې سره په مستقيم ډول نښلوي، دا يوازې د دوه گاونډيو هېوادونو په توگه د افغانستان او پاکستان د اړيکو خرابولو کې مرسته کولی او بس. ځکه د کشمير ستونزه يو له هغوييچلو ستونزو څخه ده چې له لومړي وخت څخه له پامه غورځولې شوې خو له بده مرغه هند او پاکستان غواړي چې د افغان کښالې څخه د کشمير ستونزې په برخه کې ناوړه گټه پورته کړي او افغانستان د خپلې سيالی ډگر گرځولې چې دا بيا افغان ولس ته په هيڅ قيمت د منلو وړ نه ده.

د کشمير په اړه د هند او پاکستان غلطو پاليسو د سيمې او افغانستان په څېر هېواد اقتصادي وضعيت چې بحر ته لار نه لري او هند سره يې سوداگري د پاکستان له لارې په آسانۍ سره ترسره کېږي هم له نامعلوم راتلونکي او وېرې سره مخ کړی. او دا چې په وروستيو کې پاکستان د افغان سوداگرو د آسانتيا او د خپلې اقتصادي ځورتيا رغولو لپاره اړين گامونه اخیستي، خو بيا هم وېره شته چې د کشمير ستونزه دا پرمختگونه ټکني او اغېزمن کړي، د سيمې سوداگرو ترمنځ يې د امن او راکړې ورکړې په اړه اندېښنې زياتې کړي، خو بلخوا دا کار کولی شي تر ټولو زيات زیان پاکستان ته چې له اقتصادي ستونزو سره مخ دی ډېر زیان ورسوي، ځکه افغانستان اوس د خپل اقتصادي پرمختگ لپاره له پاکستان پرته نورې بدیلې لارې هم لري، ترڅو افغان سوداگر وکولی شي د هغو بدیلو لارو څخه خپلې راکړې ورکړې ترسره کړي.

که چېرته امریکا دواړه هېوادونه پاکستان او هند د سيمې د بې ثباتۍ او د افغانستان څخه د سيالی ډگر په حيث گټې اخیستې څخه را و نه گرځوي، نو دا کار کولی شي په راتلونکې کې د سيمې امنيت له خنډ سره مخ کړي. او بلخوا چين چې د کشمير په مسئله کې د پاکستان پلوي کوي بايد د خپل ستراتيژيک او سيمه ييز رول څخه په گټې اخیستې دواړه هېوادونه هند او پاکستان د کشمير مسئلې پر سر يو تل پاتي حل موندنې ته راوبولي، ترڅو د مظلومو کشميريانو

خوړونې او بې ځايه وژنې پای ته ورسېږي. که چېرته چین دا کار ترسره نه کړي نو په سیمه کې د چین لویې اقتصادي پروژې لکه سي پیک (CPEC) او ون بیلټ ون روډ هم له ستر خنډ سره مخ کېدلی شي، دا ځکه چې د چین لویو اقتصادي پروژو پلي کېدو لپاره د سیمې امنیت خورا ډېر اړین دی.

پایله

د پاکستانی چارواکو هغه ادعاوې چې د کشمیر ستونزه له افغان سولې سره تړلې بولي، په ټولیزه توګه بې بنسټه دي. او د کشمیر د مظلومو خلکو او مسلمانانو ستونزه چې له تېرو اويا کلونو راهیسې د پاکستان او هندوستان ترمنځ را روانه ده، باید په اړه یې د یو تل پاتي حل موندنې لپاره کار وشي، او نور پرېښودل شي یاده سیمه چې له اقتصادي، فرهنگي او تاریخي لحاظه ځانګړې ارزښت لري د دواړو هېوادونو د ناوړه سیاستونو ښکار شي. د اسلامي همکاریو سازمان، نړیواله ټولنه او په ځانګړې توګه اسلامي هېوادونه باید نور د مظلومو کشمیریانو غږ واوري او په اړه یې ملامته خاموشي نوره پای ته ورسوي او د هغوی حقونو ته باید ځانګړې پاملرنه وشي، او د دې کار ترسره کېدو سره به نه یوازې د کشمیر ښکلې سیمه له روانو ناخوالو څخه خلاصه شي، بلکې د سیمې او په ځانګړې توګه د افغانستان سولې په اړه بهانې چې پاکستانی چارواکي یې کوي هم پای ته ورسېږي، او افغانستان په نږدې راتلونکې کې یوې تلپاتې سولې ته ورسېږي.س



ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com - info@csrskabul.com

ویب‌سایت: www.csrskabul.com - www.csrskabul.af

شماره تماس دفتر: (+93) 202564049 - (+93) 784089590

لطفا نظریات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.